شهروند
صفحه آخر
دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸
سال هفتم|شماره ۱۸۹۲
می‌توانید QRcode زیر را با آگوشی اسکن کنید

صفحه روزانه طنز و کارتون
•••شماره نهصد و هشتاد و چهارم
پیر راگفتم: به ما شد عرصه تنگ | توی دنیای پر از اندوه و جنگ
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟ | خنده کرد و داد پاسخ: «شهرونگ»

اینستاگرام شهرونگ: instagram.com/shahrvang1 | ایمیل شهرونگ: shahrvang1@gmail.com

فوتبال ایران از میزبانی بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا محروم شد

هواداران: یه دیپلماسی ورزشی چیه؟ اونم نداریم!

- یک هوادار: «نباید می‌ذاشتیم بفهمند هنوز یه دلخوشی واسمون مونده!»
- یک مسئول: «فقط ما نیستیم که داریم سعی می‌کنیم جلوی شادی‌تون رو بگیریم!»
- یک مسئول دیگر: «بیاید قید ای اف سی رو بزنیم و واسه خودمون یه کی اف سی راه بندازیم!»
- ای اف سی: «چطور اون موقع که می‌گفتم پنج ستاره من کیه؟ می‌گفتید: ماییم، ماییم!»
- مجری برنامه‌های ای اف سی: «اگه ناراحتید از این قاره برید!»
- یک مسئول ای اف سی: «مگه خودتون نگفتید ورزشگاه‌هاتون زیرساخت نداره؟!»
- کشورهای همسایه: «صد دیگه می‌ذاریم روش، بفرستید شون یه قاره دیگه!»
- مدیران باشگاه‌ها: «ما گفتیم شرکت نمی‌کنیم، شما هم بگید نمی‌کنند، خوبیت نداره!»

#طنز#خداحافظ_ورزش_حرفه_ای_سلام_ورزش_آماتور
#نتیجه_نهایی_ناامیدی_شیش_امید_به_زندگی_صفر#شهرونگ

تماشاخانه

محمدرضا میرشاه‌ولد
کارتونیست
hotpen77@yahoo.com

هت‌تریک

شوخی با جدی!

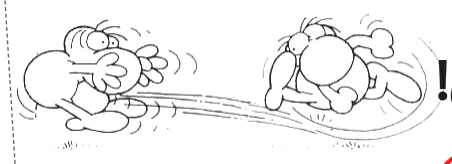

شهاب نبوی
•••طنزنویس

یک خبرگزاری: همه مدعیان تقویت شدند غیر از استقلال/ مدیران استقلال: ما همون اول فصل یه چیزی خوردیم، سیریم!

محرومیت هشت ورزشکار ایرانی به دلیل دوپینگ/ ورزشکاران: همون‌طور که زندان واسه مَرده، دوپینگ هم واسه ورزشکاره!

نقش دو بازیکن استقلال در بازگشت میلیچ به ایران/ دو بازیکن: اگه برگردی، می‌فرستیمت همون خونه‌ای که گادوین منشاتوش زندگی می‌کرد!

مهلت تیم‌های ایرانی به AFC تا فردا / تیم‌های ایرانی: امیدواریم هیچ‌وقت این فردا نرسه!

حمایت همه‌جانبه برخی بازیکن‌های تیم‌ملی از علی دایی/ دایی: اسم‌شون رو هم بگید که ترکیب رو توی ذهنم بچینم!

پاسخ محکم رئیس کمیته ملی المپیک: درکشور دیگری بازی نمی‌کنیم/ AFC: خیلی محکم بود، باشه بمونید خونه‌تون!

انصاری‌فرد: آبروی فیفا در خطر است/ رئیس فیفا: آره، اینم پرونده‌های شکایت از منه توی اتاق بغلی!

استقلال کنفدراسیون فوتبال آسیا را تهدید کرد/ AFC: هرچی خشن‌تر می‌شید، بیشتر تحریک می‌شم اذیت‌تون کنم!

فاش‌شدن راز مهار مسی توسط مدافع رئال‌مادرید/ شهرونگ: خوبه مهارش کردید و این همه گل ازش خوردید توی این چند سال!

قائدی: نیمکت‌نشینی‌ام در تیم امید جالب نبود/ هواداران: اتفاقا نشستن استیلی هم روی اون نیمکت جالب نبود!

راهکار جدید استقلال برای پرداخت به خارجی‌ها/ استقلال: به جاش هرچقدر می‌خواید جنس ببرید!

واکنش سازمان لیگ به تعویق بازی آسیایی استقلال توسط ای.اف.سی/ سازمان لیگ: سلطان تعویق منم، بقیه آدام رو درمیارند!

آیا تاریخ در مورد پرسپولیس و یحیی تکرار می‌شود؟/ تاریخ: من کلا زدم رو تکرار و چند سال یک بار اینجا تکرار می‌شم!

آیا درمورد تیم امید حق با کی‌روش بود؟/ شهرونگ: پس نه، حق با هومن افاضلی بود!

یک خبرگزاری: حالا فدراسیون فوتبال از ۵ ستاره چند ستاره دارد؟/ تاج: حمل بر خودستایی نباشه، با رفتن من یکیش کم شده!

کارشناسان: سرسخت‌ترین حریف مسی چه کسی بوده؟/ مسی: رقیب رو ول کنید، کابوس شبانه من این پسره رضا پرستشه!

کالدرون: نمی‌توانم پرسپولیس را فراموش کنم/ کالدرون: ولی متأسفانه پول فراموشی میاره، بیا، یادم رفت!

ایبینی، پس از ردشدن در تست پزشکی باشگاه استقلال: بدشانس بودم/ ایبینی: فقط یک قدم تا رفتن توی پاچه‌شان فاصله داشتم!

صالحی‌امیری: مهاجرت ورزشکاران ایرانی سیاسی نیست/ ورزشکاران: علمی، فرهنگی، هنریه!

سلطانی‌فر: نه استقلالی‌ام، نه پرسپولیسی/ سلطانی‌فر: ولی مردم می‌گن پسرم یکی‌شون رو دوست داره!

پیام اینفانتینو به تاج: مهدی عزیزم، بسیار ناراحت شدم/ تاج: جیگرم، اینفانتینو، اگه خیلی ناراحتی، برمی‌گردم!

تبریزی چگونه در استقلال ماندنی شد؟/ تبریزی: قول دادم به بقیه هم روی نیمکت پتو بدم بندازند روشون!

والورده از بارسلونا اخراج شد/ مازیار ناظمی: بیا برو توی صف، شاید گذاشتم مربی تیم‌ملی بشی!

آفساید

روح فوتبال علی اصغری هم آزرده خاطر شد!

تیم‌ملی فوتبال امید کشورمان مانند تمام ۵۰سال گذشته باز هم موفق شد که به المپیک صعود نکند. و باز هم مانند تمام این ۵۰سال مدعی بودیم که این تیم بهترین تیم تاریخ‌مان بود اما دسته پرچم کرنر را هم نتوانست بگیرد و دست از پا درازتر به کشور بازگشت. درخشان‌ترین چهره این تیم هم بدون شک شخص سرمربی‌اش، حمید استیلی بود. استیلی اگر همان‌طور که طی یک برنامه بلندمدت برای رسیدن به نیمکت تیم خیز برداشته بود، کمی از لحاظ تاکتیکی به تیم می‌رسید، الان شاید داشتیم قربان‌صدقه‌اش می‌رفتیم. البته هر مربی‌ای تاکتیک‌ها و روش‌های خاص خودش را دارد که از این لحاظ نباید از استیلی خرده گرفت. تاکتیک استیلی در این بازی‌ها واقعا پیچیده بود. تمام ۱۰ بازیکن حاضر در زمین دستور داشتند طی یک عملیات پیچیده به محض اینکه صاحب توپ شدند، جوری بکشند زیرش که توپ به محوطه جریمه حریف برسد. شاید با خودتان بگویید که فوتبال ۱۱نفره است و یک یار این وسط کم می‌آید که باید عرض کنم آن یک نفر مهدی قائدی است و باید از بکش زیرش‌های بقیه به نحو احسن استفاده کند. این هم که مهدی قائدی کلا یک متر و دو وجب قد دارد مشکل خودش است، می‌خواست که روی بلندشدن قدش کار کند. گفته می‌شود وقتی این تاکتیک بکش زیرش جواب نداده، دستیاران استیلی به او گفتند: «حالا پلن بی‌مون چیه حمیدجان؟» که حمیدجان گفته: «والا من تا همین‌جاش رو بلد بودم، واسه باقیش بهتره بشینیم و دعا کنیم.» خلاصه اینکه ما طبق معمول به المپیک نرفتیم و دیگر باید با این واقعیت کنار بیاییم و قبول کنیم ورزشی که در آن مشت و لگد حواله حریف نشود، به درد افتخارآفرینی نمی‌خورد.

کُرنر

چگونه جلوی مهاجرت ورزشکارها را بگیریم؟

با توجه به مهاجرت برخی از ورزشکارها به خارج از کشور امروز در شهرونگ ورزشی دو راهکار خیلی کوچیک و جمع‌وجور ارایه می‌دهیم تا بتوانیم این مهاجرت‌ها را به حداقل برسانیم.

یک: با ورزشکار مذکور صحبت کنیم و بگوییم که اون بیرون هیچ خبری نیست. برای نمونه هم می‌توان حدود ۲۰۰ ترانه از خوانندگانی که از کشور خارج شده‌اند و الان بلانسبت مثل چی پشیمان هستند و هی به یاد وطن ترانه می‌خوانند آورد. به او بگوییم که آنها لااقل می‌توانند آهنگ بخوانند و خودشان را خالی کنند، تو وقتی دلتنگ شدی می‌خواهی چه‌کار کنی؟ حتما می‌خواهی بروی وسط خیابان و یه خم ملت را به دو خم تبدیل کنی؟ یا لنگت را تا گردن طرف بیاوری بالا و یک ضربه سه امتیازی حواله‌اش کنی؛ پس بهتر است برای پیشگیری از دل تنگی احتمالی هیچ جا نروی.

دو: باید به ورزشکار مذکور فهماند که هیچ‌جا خانه خود آدم نمی‌شود. برای درک بهتر این موضوع هم بهتر است او را چند روزی در خانه یک نفر دیگر نگه داریم و بهش بگوییم که فرض کن اینجا خارج است و خانه خودت داخل، حالا به نظرت کدام بهتر است؟ فقط حواس‌تان باشد که آن خانه از خانه خودش بهتر نباشد و امکانات بیشتری نداشته باشد؛ مثلا خانه خودش یک اتاق زیرپله‌ای نباشد و خانه‌ای که او را بردید پانصد متر زیر بنا و ماساژور حرفه‌ای داشته باشد؛ چون او نه‌تنها انگیزه‌اش را برای رفتن از دست نمی‌دهد، بلکه با سرعت بیشتری از کشور خارج می‌شود.

پنالتی

دایی رو انتخاب کنم یا قلعه‌نویی رو جواب کنم؟!

تا لحظه نگارش این متن، علی دایی و امیر قلعه‌نویی گزینه‌های اصلی سرمربیگری تیم‌ملی بوده‌اند. هرکدام از آنها هم یک‌بار مربی این تیم بوده‌اند. امروز به بررسی این موضوع می‌پردازیم که اگر هرکدام آنها مربی شوند چه روندی را طی می‌کنیم.

اول، امیر قلعه‌نویی: قلعه‌نویی بارها ثابت کرده که یک فرد نیست، حدود یک شهر است. یعنی خودش نمی‌آید و یک کادر فنی جمع‌وجور. معمولا همراه او شانزده عدد آنالیزور و چهارده عدد آنالیزور آنالیزور به تیم می‌آیند. کار گروه اول که مشخص است، می‌نشینند و تخمه می‌شکنند و بازی‌ها را آنالیز می‌کنند. گروه دوم اما کارشان این است که آنالیزهای گروه اول را آنالیز کنند. از آنالیزورها گذشته، ۶فقره مسئول تدارکات، چهار عنصر با پست سازمانی معاون، پنج نفر به‌عنوان مشاورِ معاون، بیست‌وسه دستیار، تماشاگر به میزان کافی و چند علی برای آرام کردن آدم‌های شلوغ، همراه او هستند. ولی با وجود این همه عنصر فنی، کماکان تاکتیک تیم این است که یک نفر همت کند و توپ را ببرد گوشه زمین و سانتر کند روی دروازه، سه-چهار نفر محوطه جریمه را شلوغ کنند و یک نفر آن وسط از راه برسد و توپ را فرو کند توی دروازه. تیم هم که نتیجه نگرفت، نگرفت. مهم کارآفرینی است؛ باکمک امیر قلعه‌نویی حدود صد نفر نان برده‌اند سر سفره زن‌وبچه‌شان.

دوم، علی دایی: کادر علی دایی هم تقریبا مشخص است: دو-سه عدد دایی. یعنی برادرانش مجبور می‌شوند به‌خاطر کمک به فوتبال ملی برای مغازه‌های‌شان در منیریه فروشنده بگیرند و به کمک تیم‌ملی بیایند. البته دایی با یک چالش بزرگ در انتخاب مربی دروازه‌بان‌های تیم هم مواجه است. بهزاد غلامپور در استقلال است و یک نفر باید با توانایی‌های غلامپور جایش را کنار دایی پر کند. چون دایی به پروازهای غلامپور روی سر و کولش اعتیاد پیدا کرده و اصلا دیگر بی‌غلامپور نمی‌تواند. تیم‌های دایی مانند خود او معمولا تهاجمی هستند؛ البته بیشتر از نظر عصبی. دایی وقتی عصبانی می‌شود جوری به منتقدان حمله می‌کند که کرک و پر تمام پرندگان اطراف ورزشگاه می‌ریزد. به‌خبرنگاران توصیه اکید می‌شود که اگر تیم نتیجه نگرفت، هرگز به سالن کنفرانس نروند. دایی در آن لحظات یک گلوله آتش است. اگر جراتش را دارید بهش نزدیک شوید و بگویید این چه بازی‌ای بود؟ واقعا حتی فکر عکس‌العمل دایی هم مو را بر تن آدمیزاد سیخ می‌کند. آخر سر هم دایی به ما می‌گوید که نخواستند او نتیجه بگیرد. ماهم اگر جرأت کنیم حرف دیگری غیر از این بزنیم. درنهایت فوتبال ما می‌ماند و مایی که داریم یکی از معدود دل‌خوشی‌های‌مان را هم از دست می‌دهیم.

حسین صافی